

شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مریم شمسایی^۱
طاهره شکری‌زاده^۲

چکیده

هدف: هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب در دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شیراز بود. **روش:** روش اتخاذ شده در این پژوهش، روش تحقیق کیفی با روش تحلیل تم یا موضوعی بوده است. همچنین در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند و سپس نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. **یافته‌ها:** با توجه به در نظر گرفتن روش تحقیق کیفی در این طرح، حدود 40 نفر از دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در 11 دانشکده دانشگاه علوم پزشکی شیراز انتخاب شدند و با آنان مصاحبه شد. فرایند تحلیل داده‌ها نیز در قالب شش مقوله کدگذاری صورت پذیرفت که شامل دیدگاه کلی درباره حجاب، علل حجاب‌گریزی، خواسته‌ها و نیازهای فکری زنان در حوزه حجاب، آسیب‌شناسی حجاب، پیامدهای بدحجابی و راهکارهای تشویق به حجاب و در آخر، راهکارهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج عفاف و حجاب نیز از زبان دانشجویان تحلیل و کندوکاو شد. مقوله هسته پژوهش نیز «نهادینه‌سازی قلبی حجاب با تأکید بر عفاف‌باوری» است. **نتیجه‌گیری:** هر طرح و برنامه‌ای برای ارتقای حجاب و عفاف باید ناظر بر ارتقای بُعد شناختی و اقتناع مخاطب به وسیله استدلال و همچنین تدریجی، بلندمدت و دور از برخورد قهرآمیز باشد و به طور کلی باید از روشها و تبلیغات نرم استفاده کرد.

واژگان کلیدی: حجاب، حجاب‌گریزی، تبلیغ و ترویج، دختران دانشجو.

♦ دریافت مقاله: 99/03/10؛ تصویب نهایی: 99/06/25.

1. دکترای علوم سیاسی، دانشیار مرکز تحقیقات قرآن، حدیث، طب و گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

2. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول) / نشانی: شیراز؛ خیابان زند، دانشگاه علوم پزشکی شیراز / نامبر: 07132308200 /

Email: tashokrizade@yahoo.com

الف) مقدمه

پدیده حجاب به عنوان یکی از نمادها و ارزشهای مهم در فرهنگ اسلامی و نیز یکی از چالشهای موجود در عرصه زنان، مورد توجه پژوهشگران است. طبق آموزه‌های دینی، عفاف و حجاب امری فطری است که توجیه عقلی و منطقی دارد و تاریخچه آن به قدمت آفرینش انسان است. شهید مطهری چهار اصل را شاخصه‌های فلسفی حجاب بیان کرده‌اند: آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع، ارزش و احترام زن. (مطهری، 1379: 83)

اما هنجار پوشش اسلامی با گذشت زمان و در شرایط مختلف، نه تنها در شکل، بلکه در نگاه مردم نیز دستخوش تغییر شده است. از آنجا که این هنجار برگرفته از فرهنگ ایرانی - اسلامی مردم است، بررسی چنین تغییراتی نیاز به توجه و شناخت عمیق ریشه‌های آن در بین مردم دارد؛ به ویژه تغییراتی که در قشرهای خاصی از جامعه، همانند قشر جوان و دانشجوی رخ می‌دهد. مسئله استفاده از سبکهای نامتعارف پوشش، امری نیست که اثبات آن نیازمند ارائه آمار و ارقام باشد؛ بلکه فقط با نگاهی جامع و اندیشمندانه، وجود و ضرورت مقابله با آن آشکار می‌شود، به خصوص از نظر آثار و پیامدهایی که استفاده از سبکهای نامتعارف پوشش می‌تواند در قالب ارتباطات نامشروع و نامعقول بین دختران و پسران و دیگر انحرافات اجتماعی مشابه با آن در پی داشته باشد. این مسئله در خصوص قشر دانشجوی مهم‌تر جلوه می‌کند؛ زیرا به عنوان قشر فرهیخته و آگاه کشور و نیز آینده‌سازان جامعه محسوب می‌شوند. (حسین‌زاده و همکاران، 1397: 10)

همه ادیان نمادها و نشانه‌های گوناگونی دارند و دین اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیست. یکی از این نمادها، داشتن حجاب اسلامی برای بانوان است که به دلیل پیامدهای فردی و اجتماعی بدحجابی، جوامع اسلامی را با بحرانهای متعددی روبه‌رو خواهد کرد. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، اندیشه بازگشت دین به متن زندگی اجتماعی مردم و عهده‌دار شدن تنظیم و اداره امور مختلف جامعه به وسیله آن مطرح شد و عمده تلاشها بر این اساس بود که نظامهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌بایست بر اساس اصول و مبانی دین اسلام بازسازی شوند تا بدین ترتیب، زمینه صدور الگوی حکومت دینی به کل جهان فراهم شود (فاضلیان، 1389: 66). حال با توجه به اینکه حجاب در کشور ما ایران، به عنوان یک جامعه اسلامی، به ویژه از زمان ورود آیین اسلام به این سرزمین از موقعیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده و همواره به عنوان یک هنجار مثبت دینی، اجتماعی و فرهنگی و دینی برای عامه و خاصه مردم قلمداد می‌شود، عدم رعایت و التزام به آن علاوه بر عواقب ناخوشایند دنیوی و اخروی، منجر به جریحه‌دار شدن وجدان عمومی جامعه می‌شود که همین امر از لحاظ حقوقی و قانونی در جامعه قابل رسیدگی است؛ اما در چند دهه اخیر و به دلایل گوناگون، چرخشی در نگرش به هنجارهای جامعه در زمینه‌های متفاوت از جمله حجاب به وجود آمده که تا حدود زیادی این نگرش مثبت به حجاب را تحت‌الشعاع خود قرار داده و التزام به این واجب شرعی را سست کرده است. (ماهبینی و خسروپناه، 1388: 54)

از آنجا که رعایت حجاب در بر دارنده پیام یا اعلامی عمومی، هم درباره رعایت کننده آن و هم درباره رابطه وی با نظاره کنندگان بالقوه است (ناصر، 1999: 407-412)؛ از این رو، نقش دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به عنوان کارخانه انسان سازی، در جامعه پذیری جوانان دانشجوی و زنان نیز به عنوان نیمی از جامعه که نقش مهمی در سلامت، سعادت و تربیت نسل اجتماع دارند، بر کسی پوشیده نیست؛ لذا پرداختن به مقوله حجاب در بین دختران دانشجو، سهم مهمی در تداوم نقش دانشگاهها در ترویج الگوهای عفاف و حجاب دارد. در همین راستا، پژوهش حاضر نیز به بررسی و تبیین آسیب اجتماعی بدحجابی در بین دختران دانشجو پرداخته تا گامی هر چند کوچک به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر بدحجابی بردارد و نتایج چنین پژوهشهایی بتواند نقشی سودمند در تصمیم سازی های فرهنگی - اجتماعی در خصوص ارتقای کیفی مسئله حجاب در دانشگاهها داشته باشد.

ب) مبانی دینی حجاب

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش است و کاربرد آن بیشتر به معنای پرده است (نصیرزاده، 1389: 10). واژه حجاب در قرآن و روایات نیز به معنای پوشش زنان به کار رفته است؛ چنان که شهید مطهری اذعان می دارد که در قرآن کریم آمده است: «و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز از راه وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده ای...» (شوری: 51). (همان: 10-11)

یکی از دلایل استفاده از حجاب برای زنان در قرآن کریم اینگونه بیان شده است: «برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند» (احزاب: 59). از این رو، استفاده از حجاب و پوشش برای زنان به دو دلیل است: یکی، حفظ امنیت و دیگری، حفظ حرمت آنها.

با بررسی پدیده حجاب در ادیان مختلف، مشاهده می کنیم که به سبب فطری بودن مسئله پوشش و عفاف، ادیان الهی همواره جایگاه خاصی برای آن قائل بوده اند؛ به طوری که تمامی ادیان آسمانی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده و جامعه بشری را به سوی آن فراخوانده اند؛ زیرا حیا و لزوم پوشش به طور طبیعی در نهاد زنان به ودیعت گذاشته شده و احکام و دستورهای الهی، هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده است. برای مثال، بررسی حجاب در آیین زرتشت نشان می دهد که ایرانیان، پوشش را امری با ارزش دانسته و به آن افتخار می کردند؛ به طوری که در زمان پادشاهی داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع بر تخت روان روپوش دار از خانه بیرون می آمدند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد تا با مردان رفت و آمد کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقشهایی که از ایران باستان باقی مانده، صورت هیچ زنی دیده نمی شود و حتی نامی هم از آنها مشاهده نمی شود. (شوکی و قاسملو، 1390: 98)

598 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

همچنین بررسی‌ها درباره حجاب در آیین یهودیت نشان می‌دهد که حجاب سختگیرانه‌ای برای زنان یهودی اعمال می‌شده و از طرفی، مردان ملزم به حفاظت از نگاههای خود بوده‌اند. در برخی از کتب تاریخی به لفظ چادر، برقع و روپنده نیز اشاره شده است که چگونگی حجاب در این آیین را نشان می‌دهد. (ذبیحی و موسوی، 1386: 160)

بر اساس اقوال مورخان در دین مسیحیت، الزام زنان به استفاده از حجاب بر اساس دستورات دینی پاپ‌ها و بزرگان آنها وجود داشته است و حتی سختگیری آنها نسبت به دین یهود بیشتر بوده است؛ به گونه‌ای که حتی تجرد و عدم ازدواج را به عنوان امری مقدس و ستایش‌برانگیز مورد توجه قرار می‌دادند. (علی‌مردی، 1389: 130)

در آیین اسلام نیز برای استفاده زن از حجاب تأکید بسیار شده و حجاب از ضروریات و قوانین الهی دین مبین اسلام دانسته شده است. بر اساس گواهی مورخان، با پدیدار شدن این دین الهی، کامل‌ترین و عالی‌ترین دستورات برای التزام به پوشش در بانوان به اجرا درآمده است. حجاب جزئی از تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی است و اسلام به عنوان یک قانون الهی، به مراتب شفاف‌تر از آنچه در سایر ادیان بوده، برای سلامت فرد و جامعه، آن را وضع کرده است. با توجه به ضرورت ارتباطات اجتماعی میان زنان و مردان در جوامع امروزی، اسلام با بیان التزام حجاب به عنوان یکی از قوانین اسلامی، باعث تحکیم بنیاد خانواده و ایجاد روابط سالم اجتماعی میان مردان و زنان جامعه شده است. همچنین باید اذعان داشت که حجاب تنها مختص مسلمانان نیست، بلکه در تمام ادیان وجود داشته است؛ با این تفاوت که اسلام حجاب را ایجاد محدودیت برای زنان نداشته؛ بلکه بدین وسیله ایجاد مصونیت کرده است تا زنان در عرصه اجتماع فعالیت کنند و بدین وسیله قدر و منزلت آنها را تعالی بخشیده است.

ج) پیشینه پژوهش

تحقیقات داخلی انجام‌شده در دو قسمت کمی و کیفی قابل ارائه است. علوی و حجتی در پژوهشی به تحلیل اهمیت حجاب از دیدگاه اسلام پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که وضعیت دینی دانشجویان در استفاده از سبکهای نامتعارف پوشش آنان مؤثر است؛ در صورتی که وضعیت روانی دانشجویان در بدحجابی آنان هیچ تأثیری ندارد. البته خصوصیات شخصی مانند رشته تحصیلی، تعداد اعضای خانواده، سن، وضعیت جسمانی، وضعیت اقتصادی و ... نیز تأثیری در بدحجابی دانشجویان ندارند؛ اما متغیرهایی مانند علاقه‌مندی به رشته، اهمیت دادن به مدگرایی، مدرک تحصیلی پدر و مادر، وضعیت اعتقادی والدین، نگرشهای سیاسی و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش اجتماعی او در جامعه، در بدحجابی آنان مؤثر است. (علوی و حجتی، 1386: 64-63)

مریم شمسایی و طاهره شکری‌زاده ♦ 599

پژوهشی بهرام‌زاده و لطفی با هدف بیان نظرات اقشار مختلف جامعه درباره عوامل مؤثر بر بدحجابی و ضرورت و علل تقویت حجاب در جامعه، بر مبنای پنج متغیر اصلی کاهش حساسیت خانواده‌ها درباره نوع پوشش فرزندان، کاهش آگاهی مردم از مفاهیم حجاب، تلقی حجاب به عنوان محدودیتی در روابط اجتماعی، تحریف مفاهیم حجاب در جامعه و عدم تبلیغ و آموزش مناسب حجاب در رسانه‌ها استوار بود. نتایج تحقیق آنان نشان داد که متغیر کاهش حساسیت مردم درباره وضعیت پوشش فرزندان، بیشترین تأثیر را بر بدحجابی دارد. این در حالی است که متغیرهای تحریف مفاهیم حجاب در جامعه، تلقی حجاب به عنوان محدودیتی در روابط اجتماعی، کاهش آگاهی مردم از مفاهیم حجاب و عدم تبلیغ و آموزش مناسب حجاب در رسانه‌ها به ترتیب تأثیرهای بعدی را بر این مسئله داشتند. (بهرام‌زاده و لطفی، 1389: 109)

در پژوهشی دیگر، شارع‌پور و همکارانش به تحلیل عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانشجویان دختر نسبت به حجاب پرداختند. نتایج تحقیق آنان نیز نشان داد که مهم‌ترین متغیر مؤثر بر گرایش به حجاب، متغیر گرایش به فمینیسم بوده و دیگر متغیرهای مؤثر به ترتیب، شامل عوامل محرک اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سبک زندگی و محل سکونت است. (شارع‌پور و همکاران، 1392: 1)

نتایج بررسی‌های مولایی و یوسف‌وند نیز نشان می‌داد که بین استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی، تصور از بدن، اعتقادات دینی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده و گرایش به حجاب رابطه وجود دارد. (مولایی و یوسف‌وند، 1393: 35)

امامی و همکاران نیز در تحقیقی به روش تکنیک کیفی نظریه زمینه‌ای، بعد از طرح مسئله و چارچوب مفهومی، دیدگاه‌های 16 نمونه انتخابی را در سه سطح عوامل، زمینه‌ها و راه‌حلهای، بازسازی و در الگویی نظری ارائه کردند. (امامی و همکاران، 1393: 451)

در مقاله‌ای که توسط حسین‌زاده و همکاران انجام گرفت، محققان به این نتیجه رسیدند که بر اساس نتایج تحلیل مسیر، تجربه مثبت گذشته از رعایت حجاب با 65 درصد اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم، بیشترین اثر مثبت را بر نگرش دانشجویان نسبت به حجاب دارد. متغیر عملکرد خانواده در ارتباط با حجاب 0/21، ناهمنوایی با هنجارهای جامعه با 0/17-، نگرش به برابری جنسیتی با 0/16- و شیوه تربیتی استبدادگرایانه با 0/13- در رتبه‌های بعدی اثرگذاری قرار گرفته‌اند. (حسین‌زاده و همکاران، 1397: 9)

در تحقیق نیک‌بخش که به تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب در بین زنان 18 تا 32 ساله پرداخته، متغیرهایی مانند سن، شغل، میزان دینداری، تربیت خانواده و میزان استفاده از رسانه‌های گروهی بر متغیر وابسته نگرش به حجاب سنجش و تحلیل شده است. نتیجه اینکه، به جز متغیر رسانه‌های جمعی، بین سایر متغیرهای مستقل دیگر همانند شغل، دینداری، تربیت خانواده و سن، با نگرش به مقوله حجاب رابطه مثبت، مستقیم و معنادار وجود دارد. (نیک‌بخش، 1398: 365)

600 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

از بین پژوهشهای خارجی نیز تارلو¹ در «حجاب در لندن: دگرگونی، طنین و اثرات»، در پی بررسی اهمیت لباس و پوشش به عنوان شاخصی آشکار از تمایز در چند شهر فرهنگی لندن برآمده و معتقد است که انتخاب حجاب از سوی زنان طبقه متوسط مسلمان، نه به عنوان پس‌زمینه فرهنگی آنها، بلکه اغلب به عنوان یک کالا به آن نگریسته می‌شود. به طور کلی تارلو در تحقیق خود پتانسیل انتقالی حجاب را بررسی کرده و معتقد است حجاب تأثیر معناداری روی دیگران دارد. (تارلو، 2007: 156-131)

شیرازی و میسرا² نیز در مقاله‌ای با عنوان «زنان مسلمان جوان و حجاب (نقاب) صورت» به بررسی نوع شناخت زنان مسلمان نسبت به حجاب در غرب پرداختند. آنان معتقد بودند که برای فهم بهتر این مسئله می‌بایست ویژگی‌های همانند عوامل سیاسی، اجتماعی و تاریخی یک کشور، نوع و ماهیت مهاجرت مردم در آن کشور، ترکیب جمعیت شناختی مردم و شناخت تفکرات مردم نسبت به مسائل دنیوی و شهروندی مد نظر قرار گیرد. در حالی که انعکاس نگاه رسانه‌های جمعی و ادبیات دانشگاهی در اروپا، حجاب و نقاب را فرمی از هویت شخصی، سیاسی و مذهبی افراد شناسایی می‌کند؛ اما مصاحبه‌های عمیق با زنان مسلمان در غرب، این مسئله را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد؛ زیرا در حدود نیمی از شرکت‌کنندگان این طرح که در حال استفاده از حجاب روستی بودند، هیچ تمایلی برای استفاده از آن نداشتند و حتی در جامعه آمریکا از آن به عنوان مسئله‌ای غیر ضروری یاد می‌کردند؛ اما در عین حال برای استفاده‌کنندگان از آن احترام قائل بودند. (شیرازی و میسرا، 2010: 62-43)

مهتا³ در تحقیقی با عنوان «تأثیر عمیق رسانه‌های مدرن در زنان مسلمان دهلی»، معتقد است که هر چند در اوایل و زمانهای قبل‌تر، استفاده از رسانه‌های تصویری به عنوان تابو لحاظ می‌شد؛ اما مصرف‌کنندگان این محصولات رسانه‌ای امروزه به صورت معناداری تحت تأثیر کالایی شدن فرهنگ توده‌ای و رسانه‌ای قرار گرفته‌اند. وی همچنین معتقد است که در این میان، زنان مسلمان نیز عقاید سنتی مصرف رسانه‌ای خود را کاملاً تغییر داده و در مواردی، سبک زندگی و الگوهای اندیشیده شده خود را درباره استفاده از رسانه‌ها مورد بازبینی قرار داده‌اند. (مهتا، 2010: 24-1)

شین و همکاران⁴ در مقاله «بررسی تأثیر پوشیدن حجاب: درک جذابیت صورت توسط زنان مسلمان اماراتی ساکن در کشور مسلمان مادری خود»، به بررسی درک جذابیت صورت توسط زنان مسلمان اماراتی ساکن در کشور مسلمان مادری خود پرداختند. در این مطالعه به شرکت‌کنندگان تصاویر مقدماتی زنان در سه حالت مختلف پوشانده شده، جزئی پوشانده شده و پوشانده نشده نشان داده شد. یافته‌ها نشان

1. Tarlo

2. Shirazi & Mishra

3. Mehta

4. Sheen, Key Yekani & R. Jordan

داد چهره‌هایی که در آنها سرها پوشانده شده و جزیی از آن حجاب پوشیده شده‌اند، به همان اندازه جذاب ارزیابی شده‌اند. (شین و همکاران، 2018: 1)

آیتار و بودور¹ در مقاله «گفتمان زن، مهاجر و مسلمان در مجارستان امروزی»، تلاش کردند تا جنبه‌های متعدد و متنوع هویت زن را در بین زنان مسلمان مجارستان نشان دهند. در این مقاله، روایات مربوط به پوشیدن و عدم پوشیدن حجاب در بین زنان مسلمان ساکن بوداپست، اعم از مهاجران و زنان تبار مهاجر، بررسی و تحلیل شده است. داده‌های به دست آمده بیشتر چالشهای مختلف پوشیدن حجاب را نشان می‌دهد؛ همان پدیده‌ای که ما به آن پارادوکس حجاب می‌گوییم. (آیتا و بودور، 2019: 33-50)

(د) روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه، تحلیل محتوای تم یا موضوعی است. تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌هاست. براون و کلارک اولین روش کیفی را «تم» دانسته و بر یادگیری آن تأکید داشته‌اند (براون و کلارک، 2006: 78). آنان معتقدند که این روش به دلیل کیفی بودن آن، مهارتهای اصلی را فراهم کرده، برای انجام انواع تحلیلهای نیز مناسب است. همچنین این روش بر خلاف بسیاری از روشهای کیفی، به دیدگاه خاصی وابسته نیست و این امر باعث انعطاف پذیر بودن آن نسبت به روشهای دیگر شده است (براون و کلارک، 2013: 121). بنابر این، به روش کیفی و با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با دانشجویان، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد و نمونه‌گیری داده‌ها ابتدا با روش نمونه‌گیری هدفمند و سپس به روش نمونه‌گیری نظری صورت پذیرفت.

کدگذاری فرایندی است که طی آن محقق به جداسازی، مفهوم‌بندی و ادغام و یکپارچه کردن داده‌ها می‌پردازد. در این روش از سه مرحله کدگذاری برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود که به ترتیب عبارتند از: کدگذاری باز،² کدگذاری محوری³ و کدگذاری گزینشی⁴. در کدگذاری باز، می‌توان داده‌ها را خط به خط یا جمله به جمله کدگذاری و مفهوم‌بندی کرد. در مرحله بعد، این مفاهیم در کنار یکدیگر قرار گرفته و بر اساس اشتراکات، تشابهات یا همپوشی معنایی به صورت مقولات محوری سازماندهی شده و در نهایت، مقولات عمده در مقوله‌ای جدید به نام مقوله هسته در مرحله کدگذاری انتخابی به عنوان مرحله آخر انتخاب می‌شوند. در این مرحله، مهم‌ترین مقوله یا موضوع پژوهش نیز انتخاب می‌شود.

1. Aytar & Bodor
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding

602 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

مفهوم استخراج‌شده نهایی و مقوله محوری باید دارای قدرت تحلیلی بوده و شمول معنایی آن در حدی باشد که بتواند دیگر مقولات را نیز در خود بگنجانند و ارتباط برقرار کند. انجام این سه مرحله از کدگذاری، مستلزم دقت فراوان است؛ زیرا این مقولات در مدل زمینه‌ای نهایی حول مقوله گزینشی یا تم اصلی قرار می‌گیرند و شرایط، تعاملات و پیامدها را به تصویر می‌کشند. (محمدپور و همکاران، 1388: 315)

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، روش پیمایشی با ابزار مصاحبه عمیق و باز با 40 نفر از دانشجویان انجام شد. دلیل انتخاب روش تحلیل تم در تحقیق حاضر این بود که مفاهیم و مقولات محوری برای توسعه الگوهای نظری برای تحقیقات تجربی آتی در حوزه تفکر راهبردی، بر اساس یافته‌های کیفی بوده است. در مرحله اول، یک مقوله به عنوان مقوله محوری انتخاب و در مرکز فرایندی که در حال بررسی آن است (به عنوان پدیده مرکزی) قرار می‌گیرد و سپس دیگر مقوله‌ها به آن ربط داده می‌شود. در ارزیابی اعتبار و پایایی تحقیقات کیفی، اگر چه بر اصول پارادایمی حاکم بر تحقیقات ذکر شده اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما از نظر صاحب‌نظران، اعتبار در تحقیق کیفی، کوششی است برای بررسی و ارزیابی دقت یافته‌هایی که به بهترین نحو از سوی محقق و مشارکت‌کنندگان توصیف شده‌اند.

ه) یافته‌های پژوهش

سؤال اصلی این پژوهش این است که علل و عوامل بدحجابی و راههای ترغیب به حفظ پوشش و حجاب مناسب در نظام معنایی دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شیراز چگونه است؟

به طور کلی در مرحله کدبندی بیش از 200 مفهوم استخراج شدند که در قالب 22 زیرمقوله و شش مقوله عمده قرار گرفتند و در نهایت، مقوله هسته با عنوان «تهادینه‌سازی قلبی حجاب با تأکید بر عفاف‌باوری» استخراج شد. شش بعد اصلی در ارتباط با حجاب، شامل دیدگاه کلی درباره حجاب، علل حجاب‌گریزی، خواسته‌ها و نیازهای فکری زنان در حوزه حجاب، آسیب‌شناسی حجاب، پیامدهای بدحجابی و راهکارهای تشویق به حجاب می‌باشند.

جدول 1: مفاهیم و مقولات محوری حاصل از کدگذاری داده‌های میدانی

مقولات محوری	مفاهیم
الف دیدگاه کلی دربارهٔ حجاب	مزایای حجاب، معایب حجاب، الزام در حجاب، نقش خانواده بر پوشش، نقش خداپاوری بر پوشش، نقش پوشش در ازدواج و دغدغه‌ها
ب علل حجاب‌گزینی	علل مذهبی، روانی، فرهنگی و علل خانوادگی
ج خواسته‌ها و نیازهای فکری زنان در حوزهٔ حجاب	مبانی آموزشی، شیوه‌های آموزشی، کتابها و جلسات تأثیرگذار و موانع دستیابی به این اهداف عملی
د آسیب‌شناسی حجاب	آسیب‌شناسی سخنرانها، سخنرانی‌ها، برخورد تند و غیرمحترمانه، برخورد سطحی و مقطعی، اصول ارتباط مؤثر، کلیشه‌ها، اجبار و سخنگیری، تناقض و تبعیض و کم کاری و اقدامات ظاهری
ه پیامدهای بدحجابی	کاهش امنیت فردی، افزایش میل به خودنمایی، افزایش مشکلات عاطفی - اخلاقی بین دو جنس، تهدید نهاد خانواده و افزایش آسیبهای اجتماعی
و راهکارهای تشویق به حجاب	ویژگی سخنرانها، نحوه اجرا و محتوا، ارشادکنندگان، برنامه‌های تبلیغی خوابگاهی و غیر خوابگاهی، طراحی پوشش در دانشگاه، اساتید، برگزاری اردوها، اهمیت نوع ارتباط و برنامه‌های هنری، مذهبی و خانوادگی

1. دیدگاه کلی دربارهٔ حجاب

در بررسی دیدگاه کلی دانشجویان دربارهٔ حجاب، در این تحقیق به هشت مقولهٔ اصلی دیدگاه دانشجویان دربارهٔ حجاب، مزایای حجاب، معایب حجاب، الزام در حجاب و نقش خانواده در پوشش دست یافتیم که در مجموع به مقولهٔ هسته‌ای «شناخت، خدامحوری و تربیت صحیح خانوادگی» منجر شد.

پس از بررسی دیدگاه دانشجویان در مبحث الزام و اجبار دربارهٔ حجاب، سه دیدگاه وجود داشت: کاملاً موافق، موافق و کاملاً مخالف.

افراد کاملاً موافق اجبار و الزام دربارهٔ پوشش، معتقدند که به علت تعهد در اطاعت از اجرای فرامین دینی و نیز بحث قانونمداری در جامعه، می‌بایست اجبار در پوشش وجود داشته باشد. افراد موافق الزام نیز معتقد بودند الزام صد درصد نباید باشد؛ اما محدودیت در پوشش تا حدودی باید اجرا شود. بر خلاف این دو دسته، افراد کاملاً مخالف، این گونه فکر نمی‌کردند؛ بلکه معتقد بودند هرگونه اجبار در پوشش نتیجهٔ عکس می‌دهد و اجبار، عواقب و پیامدهای منفی دارد که بالطبع ضرر آن بیشتر از نفع آن است. یکی از آنان در این زمینه معتقد است: «الزامی بودن حجاب خوب نیست، چون خیلی‌ها فقط برای همین اجبار، حجاب می‌زنند و تازه خیلی‌ها هم به خاطر همین حجاب، از دین دوری و از کشورمان فرار می‌کنند».

نقش خانواده در پوشش، پنجمین مقوله در بعد اول است که به دو دسته تقسیم می‌شود: علاقه‌مندی خانواده به حجاب و غیر علاقه‌مندی خانواده به حجاب.

604 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

خانواده محل اصلی انتقال هنجارهای رفتاری است (ویتز،¹ 2000: 1-18). اگر کودکان رابطه مناسب با اجتماع و جامعه مدنی را از طریق خانواده خود تجربه کنند، این مسئله ممکن است در بزرگسالی تمایل آنها را برای تبدیل شدن به شهروندانی فعال و متعهد افزایش دهد. (مارک،² 2002: 323-344)

در این تحقیق نیز کسانی که نقش خانواده را در این امر مهم می‌دانستند، معتقد بودند که نه سختگیری و نه آزادی کامل، هیچ کدام جواب نمی‌دهد؛ بلکه اهمیت نقش پوشش مادر و تربیت صحیح پدر همراه با تذکرات به موقع خانواده و آزادی هدایت‌شده او غیر قابل انکار است. اما افرادی که معتقد بودند خانواده‌هایشان نقش مهمی در بدپوششی آنان داشته است، بیان می‌کردند که مخالفت اولیه خانواده با چادر و نیز اختلاف نظر اعضای خانواده در نوع پوشش دختران، منجر به سردرگمی و انتخاب نادرست پوشش می‌شود. بنابر این، نقش خانواده در هنجارپذیری مسئله حجاب غیر قابل انکار است.

در مقوله نقش خداآوری در پوشش نیز بیان شد که ریشه حجاب در خداآوری، ایمان قوی و اطاعت از فرامین الهی است؛ زیرا باور قلبی به دستورات دینی منجر به پایبندی به تمامی دستورات، به خصوص مبحث حجاب می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «نظر شخصی من این است که آدمی که می‌خواهد اعتقادش قوی باشد و در ضمن خدا را هم قبول دارد، بنابر این، به حجاب هم اعتقاد دارد. من خودم چون حجاب را دستوری از طرف خداوند می‌دانم و می‌خواهم آن را اطاعت کنم، معتقدم که حجاب باید وجود داشته باشد».

در کنار آن، چالشهای ذهنی و به یقین نرسیدن درباره باورهای دینی، منجر به شک و تردید در مبحث پوشش خواهد شد.

آخرین مقوله در بعد اول، مربوط به دغدغه‌های پوشش است. به طور کلی دو نوع دغدغه در این زمینه وجود دارد: یک، دغدغه‌های فردی و دو، دغدغه‌های اجتماعی.

در قسمت دغدغه‌های فردی، مباحثی مطرح شد؛ از جمله آنکه دغدغه دختران، داشتن پوشش همراه با حفظ زیبایی‌شان است و در عین حال برخی معتقد بودند که الزام پوشش در قالب چادر لزومی ندارد و در عین حال اگر کسی بخواهد در این زمینه با موفقیت عمل کند، تأثیر اراده شخصی وی غیر قابل اجتناب است و در کنار آن تغییر درونی اتفاق می‌افتد.

در قسمت دغدغه‌های اجتماعی نیز بر تأکید نسبت به پوشش مردان و پسران اشاره شد و در عین حال توجه ویژه به تغییر و چرخش باور نسبت به حجاب در دانشجویان سال اول و عدم آشنایی با اصول امر به

1. Winter
2. Mark

معروف و نهی از منکر از دیگر دغدغه‌های اجتماعی دانشجویان در این زمینه بود. یکی از دانشجویان معتقد بود: «در مورد تذکر دادن درباره حجاب نظر خاصی ندارم. امر به معروف و نهی از منکر، یکی از اصول دین ماست؛ ولی من اطلاعی از شیوه‌هایش ندارم و در مباحث غیر درسی هم که مطالعه می‌کنم، اطلاع زیادی از این قضیه ندارم...».

2. علل حجاب‌گریزی

این امر یکی از سؤالات اساسی و مهم تمامی فعالان فرهنگی و اجتماعی است؛ زیرا تا علل و عوامل بدحجابی در جامعه مشخص نشود، ارائه راهکار و درمان تقریباً غیر ممکن خواهد بود. در این طرح نیز علل حجاب‌گریزی به سه دسته تقسیم می‌شود: علل فردی، علل اجتماعی و علل خانوادگی.

مقوله علل فردی، به دو دسته مذهبی و روانی قابل تفکیک است. در مقوله مذهبی، برخی از دانشجویان دلایلی را مطرح کردند؛ از جمله اینکه آگاهی و شناخت سطحی از دین، عدم آگاهی و اطلاع در زمینه معرفت دینی، شبهات حل نشده فراوان، کم‌کاری در این زمینه و بازتعریف حجاب را همگی به عنوان علل بدحجابی خویش مطرح کرده‌اند. نتایج این بخش از تحقیق با یافته‌های علوی و حجتی مطابقت دارد. آنها نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت دینی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است. (علوی و حجتی، 1386: 63)

در مقوله روانی نیز مواردی همانند تداخل قانون پوشش و امر دینی حجاب (حجاب اجباری)، نیاز به جلوه‌گری، عدم خودباوری، لذت‌گرایی، تأثیر همنشین و برخورد غیر محترمانه، بحث و بررسی شد. عده‌ای معتقدند که مسائل دینی و دستورات آن بحث جداگانه‌ای است و نباید جنبه قانونی را در آن دخالت داد. عده‌ای دیگر عنوان می‌کنند که نیاز به جلوه‌آرایی، عدم خودباوری و اعتماد به نفس یکی دیگر از دلایل حجاب‌گریزی است: «به نظرم کمبود اعتماد به نفس برای یک خانم علت بدحجابی‌اش هست یا شاید هم استقلال درونی ندارد که این طوری می‌شود، البته شاید هم خودش زیاد نپسندد؛ ولی این کار را برای جلب توجه انجام می‌دهد. ما تا وقتی که دبیرستان هستیم هیچ‌وقت ولی وقتی می‌آییم به دانشگاه، وضعیت و شرایط خیلی فرق می‌کند...».

عباس‌زاده و همکاران نیز در تحقیق خود به همین نتیجه رسیدند که عوامل روان‌شناختی همانند عقده حقارت، وجود غریزه خودآرایی و ... بر بدحجابی مؤثرند. (عباس‌زاده و همکاران، 1391: 87)

سفیدی و همکاران در تحقیقات خود دریافتند زنانی که از سلامت روانی برخوردارند و در خود کمبود احساس نمی‌کنند، تمایلی به جلب توجه دیگران ندارند؛ ولی زنان دارای عقده حقارت، با نمایش زیبایی‌ها و زینت و نوع پوشش و بدحجابی و بی‌حجابی می‌کوشند تا احساس کمبود خود را به نحوی مرتفع سازند. (سفیدی و همکاران، 1392: 226)

606 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

دانشجوی دیگری عنوان می‌کند: «این تیپ دختران دوست دارند بیشتر طرف مقابل را جذب کنند و جنس مخالف راحت‌تر به آنها نزدیک بشود؛ ولی الآن واقعاً روابط بین دختر و پسر رو تین شده که مسئله حجاب هم دارد این طور کم‌رنگ می‌شود».

در مقوله علل اجتماعی نیز زیرشاخه‌های فرهنگی و سیاسی قابل ذکر بود. برای مثال، در قسمت مقوله فرهنگی، عواملی همانند عملکرد بد رسانه، تسلط فرهنگ ماهواره، غفلت از پوشش پسران و تفاوت هزینه‌ها بررسی شدند. برخی از مصاحبه‌شوندگان از عملکرد رسانه در بی‌توجهی به پوشش دوگانه برخی از شخصیت‌های هنری، شیوه‌های تربیتی ناصحیح و در عین حال برخی تبعیضها بین دختران و پسران، گران بودن اقلام حجاب و مهم‌تر از همه، تسلط فرهنگ ماهواره سخن گفتند. «یک چیزهای اصلاً مال جامعه ما نیست؛ ولی آمده در بازار ما و کانالهای فشن ماهواره هم آنها را نشان می‌دهند و می‌گویند که مثلاً این مد بهار امسال هست؛ ولی مشخص است که این چیزها مال فرهنگ ما نیست».

در مقوله سیاسی نیز به مبحث مخالفت و اعتراض و اقتضای شغلی پرداخته شد. تلاش دشمنان این گونه است که بدحجابی و بدپوششی را به نشانه اعتراض به دستگاهها و حکومت نشان دهند؛ اما باید فرهنگ‌سازی کرد و مقوله حجاب را از رفتارهای سیاسی جدا ساخت. به نظر می‌رسد که باید بتوان امور فرهنگی کشور را فارغ از مسائل سیاسی و سطحی مطرح کرد و جوانان را آگاه ساخت و بصیرت‌افزایی کرد تا موضوع حجاب به صورت فرادینی، فراملی و فرامنطقه‌ای در بین افراد جامعه بیان شود. نتایج این قسمت از طرح نیز با نتایج یافته‌های علوی و حجیتی سازگاری دارد. آنان نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که نگرشهای سیاسی و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش اجتماعی او در جامعه، در بدحجابی آنها مؤثر است (علوی و حجی، 1386:78). همچنین حسین‌زاده و همکاران در نتایج پژوهش خود به این مسئله دست یافته بودند که رابطه معنادار و منفی بین نقش رسانه‌های ارتباطی تلویزیون و ماهواره (برنامه‌های مذهبی تلویزیون، محتوای فیلمها و سریالها و نحوه آرایش و پوشش هنرپیشه‌های تلویزیون و ماهواره) و نگرش به حجاب وجود دارد. (حسین‌زاده و همکاران، 1397:36)

در مقوله علل خانوادگی نیز به مسئله عدم تربیت صحیح دینی و بی‌توجهی خانوادگی پرداخته شد. مقتضیات خانواده‌گرایی، پیوندها و الزامات خانوادگی و نسبی را فراتر از پیوندها و روابط اجتماعی قرار می‌دهد و تعهد نسبت به خانواده، پیوندهای ضعیف‌تر با جامعه را کنار می‌زند. (ویتر، 2000:18-1)

در بعد خانواده باید گفت که بدحجابی ریشه در دوران کودکی فرد دارد؛ زیرا تربیت صحیح کودک و آموزش مسائل به صورتی که افراط و تفریط در آنها اعمال نشود، از بدحجابی جلوگیری می‌کند. نتایج این قسمت از طرح با یافته‌های بهرام‌زاده و لطفی (109:1389) سازگار بود؛ زیرا بر اساس تحقیقی که آنان در نمونه‌ای از دانشجویان و دانش‌آموزان دبیرستانی انجام دادند، متغیر کاهش حساسیت مردم درباره وضعیت

پوشش فرزندان‌شان، بیشترین تأثیر را بر بدحجابی داشت. نتایج تحقیق نیک‌بخش نیز حاکی از آن بود که همبستگی بالایی بین متغیر مستقل تربیت خانوادگی زنان با نگرش آنان به مقوله حجاب وجود دارد و رابطه معناداری بین آنها وجود دارد. (نیک‌بخش، 1398: 383)

3. خواسته‌ها و نیازهای فکری زنان در حوزه حجاب

خواسته‌ها و نیازهای فکری زنان در حوزه حجاب به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌شوند. در مبحث نظری، دو شاخص قابل تأمل و تفکر است: مبانی آموزشی و شیوه‌های آموزشی. در مقوله مبانی آموزشی، مفاهیم اولیه‌ای همانند ضرورت شناخت کافی از آیات قرآن راجع به حجاب، معرفی دین اسلام و نیز بررسی ابعاد مختلف آن، عدم اتکا به پوشش ظاهری، بیان تأثیرات مثبت حجاب در سخنرانی‌ها، آموزش حیا در کنار آموزش حجاب، عدم پذیرش استدلال‌ات ماورایی در زمینه حجاب از سوی دانشجویان، وجود شبهاتی مانند عدم امکان خواستگاری از طرف زنان، شرط شرکت در جلسات حجاب منوط به اطلاع از کارآمد بودن آن، ضرورت توان افزایش قدرت پاسخگویی به شبهات اطرافیان درباره حجاب، توجه به تأثیرگذاری احادیث راجع به مسئله حیا و نهادینه کردن حجاب در دل و ذهن افراد، بررسی شد.

به نظر می‌رسد در قسمت مبانی آموزشی، اکثر دانشجویان خواستار آگاهی و شناخت کافی نسبت به دین اسلام و رویکردهای آن در ارتباط با حجاب‌اند. در عین حال، لزوم توجه به آیات قرآن در خصوص بحث حجاب، مسئله‌ای است که نبایستی به فراموشی سپرده شود. از سخنان و اعترافات دانشجویان مصاحبه شونده چنین استنباط می‌شود که نسبت به برخی از مسائل در حوزه زنان دچار شک و شبهه‌اند. یکی از این موارد، مسئله عدم امکان خواستگاری زنان از مردان است. بنابر این، می‌بایست جلسات آموزشی حجاب به طور کاربردی بتواند به تمامی شبهات دختران و زنان جواب دهد. همچنین تعدادی از افراد خواهان تأثیرگذاری مبحث حجاب با در نظر گرفتن مبحث حیا در تمامی جلسات آموزشی بودند: «الآن حجاب در جامعه ما بیشتر با نام چادر گره خورده است... به نظرم اول باید فرهنگ حیا و عفاف در جامعه نهادینه شود و بعد نوع پوشش».

در مقوله شیوه‌های آموزشی نیز مواردی همانند ضرورت الگوسازی درست از طرف رسانه‌ها، اولویت با جلسات حضوری و سخنرانی، ضرورت وجود کتابخانه تخصصی راجع به حجاب، الگوگیری از طرح‌های موفق کشوری و شناخت مخاطبان مطرح شد.

ضرورت الگوسازی درست از طرف رسانه‌ها، به علت فراوانی و تنوع رسانه‌های جمعی و تأثیرپذیری بیشتر مردم از این‌گونه رسانه‌هاست. یکی از دانشجویان عنوان می‌کرد: «باید الگوسازی بشود؛ ولی الان رسانه‌های ما دارند بد عمل می‌کنند، چون فردی را الگو می‌کنیم که دو روز بعد این فرد در فضای مجازی خیلی متفاوت از آب درمی‌آید».

608 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

در عین حال، برخی از دانشجویان برگزاری جلسات حضوری راجع به عفاف و حجاب را بر کتاب و... اولویت می‌دادند؛ اما عده‌ای دیگر نیز که اهل کتاب و مطالعه بودند، از ضرورت وجود یک کتابخانه تخصصی راجع به حجاب سخن می‌گفتند.

اما لازمه تمامی این موارد، مبحث مخاطب‌شناسی و در کنار آن نیازسنجی در تمامی برنامه‌های فرهنگی است. در مقوله عملی مبحث خواسته‌ها و نیازهای فکری زنان در حوزه حجاب، دو زیرمقوله «کتابها و جلسات تأثیرگذار» و «موانع دستیابی به تمامی اهداف فوق» مطرح شد.

در قسمت نخست، مفاهیم اولیه بررسی شد که عبارت بودند از: مطالعه کتابهای شهید مطهری، مطالعه کتاب حریم ریحانه و فلش کارت آن، جذابیت و تأثیر مثبت جلسات اساتید گروه معارف و اطلاع از پوشش زنان در خارج از ایران.

بیشترین اقبال مطالعه اکثر دانشجویان در زمینه حجاب، مربوط به کتابهای «مسئله حجاب» و «نظام حقوق زن در اسلام» از شهید مطهری بود. به علت حاکم بودن نور معنوی و علمی استاد مرتضی مطهری، همچنان کتابهای ایشان تأثیرگذاری خاص خود را در جامعه ما دارند. در عین حال، امروزه نیز کتابهای جدیدی در زمینه حجاب به بازار عرضه شده است که همراه با اشکال و تصاویر، به بررسی تاریخچه پوشش در برخی از کشورهای جهان نیز پرداخته‌اند.

در کنار اهمیت کتاب، از جذابیت و تأثیرات مثبت کلاسهای اخلاقی و معنوی اساتید گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی نیز می‌بایست نام برد که در ذهن بسیاری از دانشجویان، جذابیت و موفقیت خاص خود را دارد. دانشجویی عنوان می‌کرد: «بیشتر جلسات اساتید گروه معارف بوده که شرکت کردم و خوبی این جلسات این بوده که از طریق معرفی کتاب، بچه‌ها را به منابع اصلی بحث وصل می‌کردند».

در مقوله موانع دستیابی به اهداف نیز مفاهیمی همانند دوگانگی در زندگی عمومی و خصوصی الگوهای هنری، باورهای متفاوت قومیتی راجع به حجاب، عدم تفکر و برخورد احساساتی در مسائل مختلف، کمبود زمان برای مطالعه کتاب، عدم دسترسی به جلسات حجاب یا کتاب در این زمینه و در نهایت، عدم اطلاع از قوانین پوشش در بقیه دانشگاهها، بررسی و تحلیل شد.

در کنار مسئله دوگانگی در پوشش شخصیت‌های هنری که همچنان به عنوان الگوی بی‌بدیل نسل جوان در جامعه حضور دارند و گلابه‌های بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد، مسئله وجود باورهای متفاوت قومیتی راجع به مسئله حجاب است؛ به گونه‌ای که برخی خرده‌فرهنگهای شکل گرفته طی سالیانتمادی که به مثابه عنصر فرهنگی یک قوم درآمده، ممکن است با برخی از موازین شرعی سازگاری نداشته باشند و همین دوگانگی‌ها منجر به بروز برخی اختلافات می‌شود. در عین حال، مفهوم عدم تفکر و برخورد احساساتی در مسائل مختلف نیز یکی دیگر از خواسته‌های نسل جوان در زمینه مسائل اعتقادی و از جمله

بحث پوشش است. برخی دیگر از افراد نیز از عدم دسترسی به جلسات حجاب، کتاب و نیز کمبود زمان برای مطالعه کتابهای راجع به حجاب به عنوان موانع دستیابی به اهداف نام می‌برند.

البته به نظر می‌رسد که اطلاع‌رسانی یا تبلیغ در این خصوص محدود بوده یا اینکه تعداد این نوع برنامه‌های فرهنگی کم باشد. یکی از دانشجویان در این خصوص می‌گوید: «من برخوردی با مواردی مثل کتاب یا جلسه سخنرانی و ... راجع به حجاب نداشتم. البته پیش آمده که در یک جلسه اخلاقی و معنوی شرکت کنم؛ ولی کلاً دسترسی و برخورد آن‌چنانی نداشته‌ام».

4. آسیب‌شناسی حجاب

چهارمین مرحله در خصوص بررسی و تحقیق راجع به مسئله حجاب، آسیب‌شناسی حجاب است. آسیب‌شناسی در حوزه حجاب در سه دسته تقسیم‌بندی شده که عبارتند از: آسیب‌شناسی همایشها، آسیب‌شناسی حراست و نگهداری دانشکده‌ها و آسیب‌شناسی دیگر فعالیتهای دانشگاه.

در خصوص آسیب‌شناسی درحوزه حجاب در بین دانشجویان در مبحث آسیب‌شناسی همایشها توجه به دو مورد سخنرانها و سخنرانی‌ها قابل تأمل است.

انتقاداتی که دانشجویان بر برخی از سخنرانان حجاب داشتند در خصوص عدم تسلط کافی در پاسخ‌دهی به شبهات گوناگون بود. ایراد دیگر درباره نحوه پوشش سخنرانان زن بود که برخی از دانشجویان معتقد بودند اساتید و سخنرانان زن کاملاً محجبه و ساده‌پوش، تأثیر چندانی بر دانشجویان بدحجاب ندارند؛ زیرا این دانشجویان خود را کاملاً در جبهه مخالف با آنان می‌بینند و لذا پذیرش سخنان این اساتید و سخنرانها، برای این تیپ خاص به سختی امکان‌پذیر است.

درباره سخنرانی‌ها نیز باید گفت که ایراداتی از جمله نوع سخنرانی‌ها به صورت تکراری و تک‌بعدی، عدم اقتناع و توجه شرکت‌کنندگان در جلسات وارد شد و در عین حال، برخی نیز معتقد بودند که در این جلسات بیشتر حضار و شرکت‌کنندگان محجبه و پوشیده حضور دارند؛ ولی افراد بدحجاب یا با حجابهای ناقص کمتر از این جلسات استقبال می‌کنند. صحبت یکی از دانشجویان در این زمینه: «به نظرم اکثر کسانی که داخل این همایشها و جلسات می‌روند، دختران یا حجاب و چادری هستند و خانمهای مانتویی هم خیلی کم حضور دارند و افراد بدحجاب هم که اصلاً شرکت نمی‌کنند».

مقوله دوم در مورد آسیب‌شناسی حراست و نگهداری‌های دانشکده‌هاست. در اینجا مفاهیمی همانند برخورد تند و غیر محترمانه، برخورد سطحی و مقطعی و اصول ارتباط مؤثر بررسی شدند. در مقوله برخورد تند و غیر محترمانه، توجه به دو مفهوم قابل ذکر است. برخی از دانشجویان معتقدند که این نوع برخورد، منجر به بی‌توجهی به حرمت و شخصیت دانشجو و شکل‌گیری یا افزایش نوعی رابطه خصمانه بین حراست

610 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

و دانشجویان می‌شود: «احترام دانشجویانی که کمی حجابشان رعایت نمی‌شود را باید حفظ کرد و طوری تذکر ندهیم که حرمتشان شکسته شود؛ خب مسلم است که تذکر بیش از حد منجر به لجبازی بیشتری می‌شود».

مقوله برخورد سطحی و مقطعی نیز در قالب سه مفهوم قابل ارزیابی است: رفتار پنهانی، رفتار مقطعی و رفتار دوگانه.

عده‌ای که اساساً مخالف برخوردهای قانونی با حجاب در دانشگاه یا جامعه‌اند، معتقدند که این سختگیری‌ها در نوع روابط دختران و پسران، منجر به بروز عواقب سوء، مانند ارتباط‌های پنهانی و... می‌شود. همچنین آنان معتقد بودند که زمانی که برخوردهای مقطعی و زودگذر باشد، رفتارهای دوگانه یا متفاوت بیشتر آشکار می‌شود.

مقوله سوم از آسیب‌شناسی حراست و نگهداری، اصول ارتباط مؤثر است و مفاهیم وجود اتافک برای راحت بودن دانشجویان دختر در هنگام تذکر دادن به آنها، عدم استفاده از مردان در قسمت حراست و نگهداری دانشکده‌ها برای تذکر و رفع فاصله‌های بین تذکردهنده و دانشجو با استفاده از خانمهای تذکردهنده غیر چادری را شامل می‌شود.

آخرین مقوله از مبحث آسیب‌شناسی‌ها، بررسی آسیب‌شناسی سایر فعالیتهای دانشگاه است که به بررسی چهار مقوله فرعی می‌پردازد. اولین مقوله فرعی، بحث کلیشه‌ها یا تفکرات قالبی است و در آن، مفهوم عدم قانع‌سازی شنوندگان بررسی شده است. دومین مقوله فرعی، اجبار و سختگیری است که در آن به دو مفهوم اشاره شده است: اجبار بودن چادر در برخی از دانشگاهها (مثل دانشگاه آزاد) و نیز سختگیری‌های بی‌مورد (از نگاه دانشجویان) در محوطه خوابگاه. سومین مقوله فرعی، تناقض و تبعیض است که سه مفهوم را در بر گرفته است: اولین و دومین مفهوم، اساتید و تناقض سخن و عمل آنان بود که به عنوان الگوی مرجع در جامعه مطرح‌اند. لذا این افراد علاوه بر موجه بودن ظاهرشان می‌بایست خدشه یا تناقضی در حرف یا عمل‌شان نسبت به مسائل مختلف از جمله مسائل فرهنگی و ... وجود نداشته باشد. چنانچه یکی از دانشجویان می‌گوید: «استادی که در دانشگاه می‌خواهد تدریس کند، خودش باید از همه جهت الگو باشد...».

مفهوم نهایی این مقوله، بحث بدآموزی است که به مسئله وجدان‌کاری سرپرستان و مدیران خوابگاه دختران دانشجو پرداخته و قطع مسلم به این امر مهم باید به طور اساسی پرداخته شود. کم‌کاری و اقدامات ظاهری، آخرین خرده‌مقوله از مبحث آسیب‌شناسی سایر فعالیتهای دانشگاه است. ضعف کار فرهنگی، طرح درس‌کُد،¹ پرننگ کردن قانون‌مداری به جای دین‌مداری، مخاطب‌سنجی و جلوگیری از

سوءبرداشتها، تشکلهای دانشجویی و کرسی‌های آزاداندیشی، همگی از مفاهیم این مقوله محسوب می‌شوند. برخی از دانشجویان از ضعف و کمبود کارهای عمیق فرهنگی در خوابگاهها گلایه‌مند بودند. به نظر می‌رسد تقویت روحیه دین‌مداری دانشجویان بسیار مؤثرتر از تأکید صرف بر وجود قوانین عرفی است. یکی از این قوانین از نظر دانشجویان، طرح درس‌کُد است که به نظر می‌رسد دانشجویان، هم دیدگاه مثبت و هم دیدگاه منفی نسبت به آن دارند. از دیگر مفاهیم به کار رفته در این مقوله، بحث توجه کافی به نقش تشکلهای دانشجویی در تقویت روحیه مشارکت دانشجویان و برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی است.

5. پیامدهای بدحجابی

پنجمین بعد در خصوص بررسی و تحقیق راجع به مسئله حجاب، پیامدهای بدحجابی است. پیامدهای بدحجابی به دو قسمت مجزای پیامدهای مستقیم و پیامدهای غیر مستقیم قابل تفکیک است.

مقوله پیامدهای مستقیم، در واقع عنوان کلی مبحث کاهش امنیت فردی و افزایش میل به خودنمایی است. مفاهیم اولیه کاهش امنیت فردی، شامل میل به فرار از محیط ناامن، نفرت از نگاه بد مردان، ترس از رفتارهای تحقیرآمیز مردان، برچسب خوردن به علت رفتار بد دیگران، ترس از سوء استفاده در محیط کار، عدم امنیت در هنگام خروج از منزل و اجبار به سکوت در مقابل مزاحمت‌های خیابانی است. مفاهیم مذکور هر کدام به نوعی آسیبهای غیر مستقیم بدحجابی را در جامعه نشان می‌دهند که متأسفانه روز به روز شاهد رخداد چنین پیامدهایی در جامعه هستیم.

دومین مقوله از مبحث پیامدهای مستقیم بدحجابی، افزایش میل به خودنمایی است که مفاهیم اولیه آن عبارتند از: نشان ندادن چهره طبیعی زن به همسر، پذیرش مردسالاری، تحریک کردن بقیه خانمها به سمت خودنمایی و جلب توجه و تابلو شدن.

مقوله پیامدهای غیر مستقیم بدحجابی به سه دسته تقسیم می‌شود: افزایش مشکلات عاطفی - اخلاقی بین دو جنس؛ تهدید نهاد خانواده؛ افزایش آسیبهای اجتماعی.

ارتباط بدحجابی با برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف، تحریک شدن به علت لباسهای تنگ، کشاندن نگاهها به سمت خود، افزایش افسردگی، واکنش سریع مردان به علت تحریک شدن و افزایش مشکلات عاطفی، اخلاقی و ارتباطی با جنس مخالف، همگی از زیرشاخه‌های این مقوله‌اند.

تهدید نهاد خانواده به عنوان دومین مقوله از پیامدهای غیر مستقیم بدحجابی نیز شامل مفاهیم ذیل می‌شود: افزایش طلاق در جامعه، از چشم افتادن زنان ساده‌پوش در مقابل همسران‌شان، متنوع شدن ذائقه و سلیقه در مردان، از هم گسیختگی خانوادگی و بی‌بندوباری‌ها، افزایش خیانت در مردان متأهل و تن ندادن پسران مجرد به ازدواج.

612 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

سومین و آخرین مقوله نهایی از بحث پیامدهای غیر مستقیم بدحجابی، افزایش آسیبهای اجتماعی است که مفاهیم ذیل را در بر می‌گیرد: آسیبهای مزاحمت‌های کلامی، افزایش مزاحمت‌های خیابانی و مشکلات پس از آن، افزایش ارتباط نامشروع، افزایش معضلاتی مانند بیکاری، تأخیر در ازدواج و افزایش نگاه ایزاری به زنان. نتایج این قسمت با یافته‌های امامی و همکاران مطابقت دارد. آنان در یافته‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که دو عامل غیر مستقیم زمینه‌ای بسیار مهم؛ یعنی اشتغال بانوان و تأخیر ازدواج، از پیامدهای بدحجابی محسوب می‌شوند (امامی و همکاران، 1393: 469). در عین حال بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد مردان به زنان محجبه احترام می‌گذارند؛ زیرا داشتن حجاب مانع می‌شود که جاذبه‌های جنسی زن آشکار و هویدا شود. برای مثال، پژوهش رید و بارتکوفسکی¹ نشان می‌دهد که بسیاری از زنان، حجاب را رعایت می‌کنند؛ زیرا تصور می‌کنند به این ترتیب مورد احترام مردان خواهد بود. (رید و بارتکوفسکی، 2000: 395-417)

6. راهکارهای تشویق به حجاب

ششمین بعد در خصوص بررسی و تحقیق راجع به مسئله حجاب، راهکارهای تشویق به حجاب است که در دو بخش قابل بررسی و ارزیابی است: نخست، راهکارهای تشویق به حجاب در سطح خرد و دوم، راهکارهای تشویق به حجاب در سطح کلان.

راهکارهای در سطح خرد، منظور تمامی راهکارهایی است که در یک مقطع زمانی و برای تعداد معین و مشخصی از افراد قابل ارائه و بررسی است و در دو مقوله قابل بحث و بررسی است: 1. سخنرانی‌های آموزشی، 2. برنامه‌های تبلیغی.

یکی از آسیبهای وارده، انتقاد در خصوص بحث سخنرانی‌های آموزشی و سخنرانان بود. لذا در قسمت راهکارها، رهنمودها و راه‌حلهایی از طرف خود دانشجویان مصاحبه‌شونده نگارش شد. در خصوص سخنرانی‌های آموزشی نیز باید گفت که سه مقوله استخراج شده شامل: ویژگی سخنرانها، نحوه اجرا و محتوا و ارشادکنندگان است. در مقوله ویژگی سخنرانان، دو مفهوم با عنوان حضور کارشناسان علمی و معروف به جای روحانیون و تأثیر آموزش گام به گام در مقابل افراد با رویکرد تعبدی قابل پیگیری است؛ بدین معنا که ضمن استفاده از اساتید مجرب و متعهد دانشگاه در رشته‌های مختلف، از نحوه درست آموزش‌دهی نیز نباید غافل شد. دومین مقوله در خصوص سخنرانی‌های آموزشی، نحوه اجرا و محتوای کار است که مفاهیمی همانند بیان توبه واقعی، بیان تجربه افراد متنبه‌شده، معرفی و تشویق افراد محجبه و موفق علمی، آموزش نحوه صحیح رفتار با جنس مخالف و برگزاری جلسات حضوری و تعاملی را در بر می‌گیرد.

مریم شمسایی و طاهره شکری زاده ♦ 613

به پیشنهاد خود دانشجویان اگر در همان ابتدای ورود دانشجویان به محیط دانشگاه، نحوه صحیح رفتار و برخورد با جنس مخالف به آنان آموزش داده شود، مطمئناً مسائل و مشکلات دیگر کمتر بروز پیدا خواهد کرد و رفتارها طبیعی تر خواهد بود و نیز اگر در همایشها و جلسات به صورت عمیق کار شود و افراد محجبه و موفق به عنوان الگو شناخته و معرفی بشوند، بهتر است. در مقوله ارشادکنندگان نیز مفاهیمی همانند آموزش مهارت ارتباطی به تذکره‌دهندگان و استفاده از افراد غیر چادری در حراست دانشگاه پیشنهاد شد.

دومین بحث از راهکارهای تشویق به حجاب در سطح خرد، مقوله برنامه‌های تبلیغی در دو سطح خوابگاهی و غیر خوابگاهی بحث شد. برنامه‌های تبلیغی خوابگاهی مفاهیمی همچون: تقویت برنامه‌های فرهنگی دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه، اجرای طرح مشاوره‌های خوابگاهی، مشارکت دانشجویان موفق تر در این زمینه، تمرکززدایی در اتاقهای خوابگاه، افزایش گپهای خودمانی در خوابگاه و جلسات گروهی و نیز توزیع کتاب در خوابگاه را در بر می‌گرفت.

مقوله برنامه‌های تبلیغی غیر خوابگاهی هم مفاهیم ذیل را در بر می‌گرفت: تأثیرگذاری دوستان خوب، استفاده از روحانیون خوش‌بین در دانشکده‌ها، تبلیغات از طریق آیات قرآن، برنامه‌های ریشه‌ای برای سال اولی‌های دانشگاه، آموزش قبل و بعد از 20 سالگی، تأثیر کرسی‌های آزاداندیشی حجاب، آموزش از طریق درونی‌سازی، فرهنگ‌سازی برای دیدگاه مثبت نسبت به مشاوران، ایجاد تسهیلات رفاهی در خوابگاهها، عدم تبعیض بین دانشجویان پزشکی و غیر پزشکی، اجرای مراسم توسط تشکلهای فرهنگی، برگزاری نمایشگاه محصولات عفاف و حجاب، تخفیف در اقلام حجاب، اصلاح رفتار و اخلاق برخی از چادری‌ها، ترویج الگوهای عملی حفظ همزمان چادر، تبلیغات اثرگذار و راه حل مقطعی و دائمی، از موارد پیشنهاد شده از سوی دانشجویان مصاحبه‌شونده بود.

نتایج این قسمت نیز با یافته‌های تحقیق رجبی مطابقت دارد. مطالعه وی نشان می‌دهد که توجه بیشتر به فرهنگ اصیل اسلامی و سرمایه‌گذاری در فعالیتهای فرهنگی و هویت واقعی بخشیدن به شخصیت زن مسلمان در جهت شناخت و پذیرش ارزشهای اسلامی و انتقال صحیح آن به نسل آینده لازم و ضروری است. (رجبی، 1389: 7)

دومین راهکار تشویق به حجاب در سطح کلان، مجموع راهکارهایی است که در طولانی‌مدت و برای تعداد نامحدودی از افراد قابل عرضه است. راهکارهای تشویق به حجاب در سطح کلان در بین دانشجویان نیز با نگاه وسیع و همه‌جانبه در ابعاد مختلف به بررسی برنامه‌هایی که در خصوص مسئله حجاب تدارک دیده می‌شود، می‌پردازد. این مقوله از دو قسمت مجزا تشکیل شده است: 1. برنامه‌های پیشنهادی در حوزه دانشگاه و 2. برنامه‌های پیشنهادی در حوزه اجتماع.

614 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

مقوله برنامه‌های پیشنهادی در حوزه دانشگاه به چهار مقوله مجزای دیگر، همانند طراحی پوشش در دانشگاه، اساتید، برگزاری اردوها و اهمیت نوع ارتباط تقسیم می‌شود.

اولین مقوله عمده در مبحث حوزه دانشگاه، طراحی پوشش در دانشگاه بود که مفاهیم اولیه آن عبارتند از: طراحی لباس فرم با رنگهای متنوع، تغییر شیوه اجرایی آیین‌نامه پوشش، رواج یک پوشش متعادل و فرم مورد قبول جامعه و ارائه مدل‌های مختلف لباس با رنگهای متنوع. طراحی لباس فرم، یکی دیگر از پیشنهادهاى دانشجویان، به ویژه در هنگام بازخواست دانشگاه نسبت به نحوه پوشش آنان است؛ چنانکه یکی از این دانشجویان می‌گفت: «ای کاش دانشگاهها فرم داشتند...».

به نظر می‌رسد که یک نوع پوشش متعادل، مورد تأیید و خواسته اکثر دانشجویان در دانشگاه است. اما لزوماً برای این امر، اقدامات اساسی و برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسانه می‌بایست صورت گیرد.

دومین مقوله از مبحث حوزه دانشگاه، بحث اساتید بود. تقویت علمی اساتید برای رفع شبهات دانشجویان و پاسخگویی قانع‌کننده و نیز نهادینه کردن پوشش در برخی از اساتید و رزیدنت‌ها در بیمارستان، از مفاهیم این مقوله محسوب می‌شد؛ زیرا به گفته دانشجویان، نقش بی‌بدیل آنها و الگودهی به دانشجویان بر هیچ‌کسی پوشیده نیست.

مقوله سوم، برگزاری اردوهاست. اردوهای فرهنگی و زیارتی یکی از موارد پیشنهادی دانشجویان در جهت تقویت همدلی و مشارکت و پرورش روحیه فرهنگی آنان است.

آخرین مقوله عمده از این مبحث، مقوله اهمیت نوع ارتباط است و مفاهیمی مانند تغییر دیدگاه مسئولان دانشگاه، برخورد منصفانه، ایجاد رابطه صمیمانه، عدم دیدگاه منفی نسبت به بدحجابها و حضور افراد متخصص اعم از روان‌شناس، جامعه‌شناس و... در جایگاه ارشاد، از مفاهیم اولیه آن محسوب می‌شود. بنا به خواسته دانشجویان، برخورد منصفانه و گفتگو راجع به مسائل اعتقادی و بیان ثواب و عقابهای بدحجابی در فضای صمیمانه و محبت‌آمیز، بهتر به نتیجه‌گیری منجر می‌شود و در عین حال، آنها خواستار آموزش مباحث روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به افراد تذکره‌دهنده در دانشگاه بودند.

مبحث راهکارهای تشویق به حجاب در سطح کلان در حوزه اجتماع نیز به سه حوزه هنری، مذهبی و خانوادگی تقسیم می‌شود. در بین این سه حوزه مشاهده شد که حوزه مذهبی از نقش مهم‌تری برخوردار بوده و دانشجویان در این قسمت راهکارهای مختلفی را پیشنهاد داده بودند.

در قسمت حوزه هنری، مفاهیم تهیه فیلم و...؛ و در زمینه ترویج پوشش، دعوت از افراد هنرمند برای طراحی فرم لباس و ایجاد خلاقیت، بررسی و تحلیل شد.

مریم شمسایی و طاهره شکری‌زاده ♦ 615

در حوزه مذهبی نیز مفاهیم اولیه شامل ترویج معناگرایی، ترویج فرهنگ اسلامی به زبان جوانان، معرفی دقیق اسلام و تصحیح باورهای عامه، تعریف و ارائه یک قالب صحیح از حجاب و منحصر نکردن آن به چادر، تأثیر برنامه‌های شب قدر، تأثیر و لزوم آموزش از سنین مدرسه، دادن علم و آگاهی صحیح و آموزش حجاب با بیدار کردن وجدان و درونی‌سازی است.

یکی از دانشجویان معتقد است که: «به نظرم ترویج معناگرایی خیلی اثرگذار هست. توصیه، نظارت و کنترل به کنار؛ اما ترویج معناگرایی خیلی اهمیت دارد...».

لزوم آموزش راجع به پوشش از سنین کودکی نیز از دیگر خواسته‌های دانشجویان به حساب می‌آید: «ولی اگر از مدارس شروع کنند و این شناخت عمیق را در کتابهای مدارس بگنجانند، این خیلی بهتر است. خیلی چیزها از دوران کودکی نشأت گرفته؛ اما خیلی از خانواده‌ها حتی به دنبالش هم نمی‌روند...».

آخرین مقوله عمده از بحث راهکارهای تشویق به حجاب در سطح کلان، مبحث خانواده است و سه مفهوم اولیه آن عبارتند از: تأثیر آموزش در ایام کودکی، نقش ریشه‌ای خانواده، حمایت پدر و تربیت صحیح خانوادگی. خانواده‌ها در نهادینه کردن حجاب و به کارگیری تعالیم اسلامی در جامعه نقش فراوانی دارند و تفکرات فرزندان را در راستای عقاید خود هدایت می‌کنند. مادر، نقش بسیار مهمی در تربیت فرزندان دارد؛ اما نباید فراموش کرد که نقش پدر نیز می‌بایست به طور قوی و محکم لحاظ شود.

بنابر این، از اهداف اساسی این پژوهش، شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب در دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شیراز است. بدین منظور حدود 40 نفر دانشجوی دختر از 11 دانشکده دانشگاه علوم پزشکی شیراز انتخاب شدند و با آنان مصاحبه شد و پس از استخراج داده‌های مصاحبه‌ها، بر اساس تحلیل محتوای تم، تجزیه و تحلیل شد. پس از کدگذاری، مقوله‌های محوری استخراج شد که عبارتند از: دیدگاه کلی درباره حجاب، علل حجاب‌گریزی، خواسته‌ها و نیازهای فکری زنان در حوزه حجاب، آسیب‌شناسی حجاب، پیامدهای بدحجابی و راهکارهای تشویق به حجاب. سپس با استفاده از کدگذاری گزینشی، مقوله هسته با عنوان «نهادینه‌سازی قلبی حجاب با تأکید بر عفاف‌باوری» مشخص شد که از تجزیه و تحلیل مقولات محوری اخذ شده و در جدول 2 آمده است.

616 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

جدول 2: جدول مقوله‌های محوری و انتخاب مقوله هسته پژوهش

ردیف	مقوله‌های محوری	مفاهیم	مقوله هسته
1	دیدگاه کلی درباره حجاب	نهادینه‌سازی قلبی حجاب	«نهادینه‌سازی قلبی حجاب» موجب «عفاف‌باوری»
2	علل حجاب‌گریزی		
3	خواسته‌ها و نیازهای فکری زنان در حوزه حجاب		
4	آسیب‌شناسی حجاب		
5	پیامدهای بدحجابی		
6	راهکارهای تشویق به حجاب	عفاف‌باوری	

(و) بحث و نتیجه‌گیری

درونی‌سازی یا نهادینه‌سازی، پایدارترین سطح اجتماعی شدن و انطباق با هنجارهای اجتماعی را برای افراد ایجاد می‌کند؛ زیرا علت تمایل درونی افراد به پیروی از یک هنجار اجتماعی آن است که درستی و اعتبار آن برای آنان ثابت شده است. لذا در خصوص مسئله رعایت حجاب نیز توجه به مسئله درونی‌سازی حایز اهمیت است. در ارتباط با مقولات محوری بیان‌شده در این نوشتار، طرح این نکته حائز اهمیت است که تمامی این مقولات محوری که مسئله حجاب و پوشش را در بر می‌گیرد، صرفاً مختص فرهنگ اسلامی نیست و در تمام ادیان، مفهوم خاصی بر اساس اعتقادات و آداب و رسوم آن جوامع انتقال می‌یابد. اما در فرهنگ اسلامی به این مقوله از دید واجبات دینی توجه خاصی شده و ریشه حجاب را در خدا‌باوری و ایمان قوی و اطاعت از فرامین الهی دانسته و این باور قلبی به دستورات الهی منجر به پایبندی به دستورات دینی، به ویژه حجاب شده که در جای خود موجب عفاف‌باوری در میان زنان مسلمان می‌شود.

از این رو، هر گونه طرح، برنامه یا مقرراتی که به منظور ارتقای حجاب و عفاف تهیه می‌شود، باید ناظر بر چند اصل باشد. مهم‌ترین ویژگی آن باید ارتقای بعد شناختی و اقناع مخاطب به وسیله استدلال همراه با به کارگیری تعابیر و بیان زیبا، هنری و غیر مستقیم باشد تا این یافته‌ها در جان مخاطب تأثیر بگذارد و درونی شود و موجبات رشد و تعالی وی را در مسیر قرب الهی فراهم کند. همچنین باید به تدریجی و بلندمدت بودن برنامه‌ها و دوری از برخورد قهرآمیز و انتظامی در محیط دانشگاه توجه کرد. در عین حال، می‌بایست در مباحث شناختی به حجاب به عنوان درون‌مایه‌ای فطری که وسیله رشد و تعالی بشر و مایه سعادت جامعه است اشاره کرد و در این زمینه از روشها و تبلیغات نرم بهره کافی و لازم را برد.



منابع

- امامی، مجید؛ محمد کاظم طاهری و مجید مطهر نژاد (1393). «شبكة عوامل، زمینه‌ها و راه‌های مسئله حجاب در دانشگاه‌های ایران: بایسته‌های برنامه‌ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه‌ای». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، ش 3: 453-478.
- بهرام‌زاده، محمد مهدی و ایمان لطفی (1389). «نقش حجاب در جامعه و شناسایی علل رواج بدحجابی در بین جوانان (مطالعه موردی: مراکز آموزشی شهر اهواز)». مطالعات بسیج، سال چهاردهم، ش 50: 109-123.
- حسین‌زاده، علی؛ محسن نیازی و الهام شفایی مقدم (1397). «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی و تگرش به هنجار پوشش اسلامی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کاشان در سال تحصیلی 93-1392». دین و ارتباطات، سال بیست و پنجم، ش 1: 40-9.
- ذبیحی، معصومه و زهره سادات موسوی (1386). «اشتراک حجاب در ادیان ابراهیمی». مطالعات راهبردی زنان، دوره نهم، ش 36: 160-138.
- رجبی، سوران (1389). «بررسی میزان حجاب برتر در دانشجویان و تأثیر آن بر شادکامی». بانوان شیعه، سال هفتم، ش 25: 26-7.
- سفیدی، فاطمه؛ رویا مافی، فاطمه قدیمی و مریم طاهرپور (1392). «تأثیر حجاب بر عزت نفس در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوم، ش 2: 228-217.
- شارع‌پور، محمود؛ سیده زینب تقوی و مهدی محمدی (1392). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب؛ مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران». تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، ش 3: 29-1.
- شوکتی، آیت و فاطمه حاجی قاسملو (1390). «حجاب در ملل، ادیان و مذاهب». زن و فرهنگ، سال دوم، ش 7: 107-95.
- عباس‌زاده، محمد؛ محمدباقر علی‌زاده اقدم، موسی سعادت‌ی و نیر محمدپور (1391). «تگرشی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به بدحجابی به عنوان یک مسئله اجتماعی». مهندسی فرهنگی، سال ششم، ش 66-65: 113-87.
- علوی سید حمیدرضا و رضیه حجتی (1386). «عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان». تربیت اسلامی، سال دوم، ش 4: 88-63.
- علیمردی، مهناز و محمد مهدی علیمردی (1389). «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت». معرفت‌ادیان، سال اول، ش 3: 138-117.
- فاضلیان، پوراندخت (1389). «بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران». پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش 2: 86-65.

618 ♦ شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب ...

- ماهینی، انسیه و عبدالحسین خسروپناه (1388). «راهکارهای ترویج پوشش اسلامی در بین دختران دانشجوی». معرفت در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، ش 3: 81-53.
- محمدپور، احمد؛ مهدی رضایی، لطیف پرتوی و رسول صادقی (1388). «بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای». خانواده‌پژوهی، سال پنجم، ش 19: 330-309.
- مطهری، مرتضی (1379). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
- مولایی، جابر و شهلا یوسف‌وند (1393). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان)». زن و جامعه، سال پنجم، ش 3: 46-35.
- نصیرزاده، قاسم (1389). زن، بصیرت، حجاب. تهران: اکرام.
- نیک‌بخش، بهرام (1398). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین 18 تا 32 ساله شهرستان لالی)». زن و جامعه، سال دهم، ش 1: 365-387.
- **The Holy Quran**
- Abbaszadeh, Mohammad; Mohammad Baqer Alizadeh Aqdam, Musa Saadati & Nayr Mohammadpour (2012). "A Sociological and Psychological Attitude to Bad Hijab as a Social Issue". *Journal of Cultural Engineering*, Vol. 6, No. 65-66.
- Alawi, Seyed Hamid Reza & Raziheh Hojjati (2007). "Factors Affecting the Bad Veiling of Kerman Shahid Bahonar University Girls". *Journal of Islamic Education*, Vol. 2, No. 4.
- Alimardi, Mahnaz & Mohammad Mehdi Alimardi (2010). "Hijab and Covering in Zoroastrian, Jewish and Christian Religions". *Journal of Religious Knowledge*, Vol. 1, No. 3.
- Aytar, Esra & Peter Bodor (2019). "Discourses of Being a Muslim Woman in Contemporary Hungary and the Hijab Paradox". *Quaderni di Sociologia*, 80: 30-50.
- Bahramzadeh, Mohammad Mehdi & Iman Lotfi (2010). "The Role of Hijab in Society and Identifying the Causes of the Prevalence of Bad Hijab among young People (Case Study: Educational Centers in Ahvaz)". *Basij Studies Quarterly*, Vol. 14, No. 50.
- Braun, V. & V. Clarke (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology". *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2): 78.
- Braun, V. & V. Clarke (2013). "Teaching Thematic Analysis: Overcoming Challenges and Developing Strategies for Effective Learning". *The Psychologist*, 26(2): 120-123.
- Fazelian, Pourandokht (2010). "Investigating the Relationship between the type of Hijab and the Level of Social Security among Women in Tehran". *Women's Research. Journal, Institute of Humanities and Cultural Studies*, Vol.1, No. 2.

- Hosseinzadeh, Ali; Mohsen Niazi & Elham Shafaei Moghadam (2018). **"Investigating the Relationship between Social and Cultural Factors and Attitudes toward the Term of Islamic coverage: A Case Study of Kashan University Students in the 2013-2014 Academic Year"**. *Journal of Religion and Communication*, Vol. 25, No. 1.
- Imami, Majid; Mohammad Kazem Taheri & Majid Motaharnejad (2014). **"Network of Factors, Contexts and Solutions to the Problem of Hijab in Iranian Universities; Requirements of Cultural Planning Using Contextual Theory"**. *Culture in The Islamic University*, Vol. 4, No. 3.
- Mahini, Ensieh & Abdolhossein Khosropanah (2009). **"Strategies for Promoting Islamic Dress among Female Students"**. *Marefat Dar Daneshgh-E-Eslami*, 43, Vol. 13, No. 3.
- Mark, N.P (2002). **"Cultural Transmission Disproportionate Prior Exposure, and the Evolution of Cooperation"**. *American Sociological Review*, Vol. 67
- Mehta, Shalina (2010). **"Commodity Culture and Porous Socio- Religious Boundaries: Muslim Women in Delhi"**. *South Asia Research*, Vol. 30, No. 1.
- Mohammadpour, Ahmad; Mehdi Rezaei, Latif Partovi & Rasoul Sadeghi (2009). **"The Meaning Reconstruction of Family Changes Using Grounded Theory (A case study of Mangor and Gaverk Tribes)"**. *Journal of Family Research*, Vol. 5 (3).
- Molaei, Jaber & Shahla Yousefvand (2015). **"Sociological Study of the Factors Affecting the Tendency to Hijab (Case Study: Female Students of Payame Noor University in Abadan)"**. *Journal of Women and Society*, Vol. 5, No. 3.
- Motahari, Morteza (2000). **"The Issue of Hijab"**. Tehran: Sadra Publications.
- Nasirzadeh, Qasim (2010). **Woman, Insight, Hijab**. Tehran: Ikram Publications.
- Nasser, Mervat (1999). **"The New Veiling Phenomenon is it an Anorexic Equivalent?"**. *A Polemic, Journal of Community & Applied Social Psychology*, N. 9.
- Nikbakhsh, Bahram (2019). **"Sociological Analysis of the Factors Affecting the Tendency to Hijab (Case Study: Tendency to Hijab among 18 to 32 years old in Lali City)"**. *Journal of Women and Society*, Vol. 10, No. 1.
- Rajabi, Soran (2010). **"A Study of the Amount of Superior Hijab in Students and its Effect on Happiness"**. *Journal of Shiite Women*, Vol. 7, No. 27.
- Read, G. Jennan & P. John Bartkowski (2000). **"To Veil or not to Veil? A Case Study of Identity Negotiation among Muslim Women in Austin"**. Texas, *Gender and Society*, June (2000), 14 (3).26.
- Sefidi, Fatemeh; Roya Mafi, Fatemeh Ghadimi & Maryam Taherpour (2013). **"The Effect of Hijab on Self-Esteem among Students of Qazvin University of Medical Sciences"**. *Culture in The Islamic University*, Vol. 3, No. 2.

- Sharepour, Mahmoud; Seyedeh Zainab Taghavi & Mehdi Mohammadi (2013). "Sociological Analysis of the Factors Affecting the Tendency to Hijab, a Case Study: the Tendency to Hijab among Female Students of Mazandaran University". *Iranian Cultural Research*, Vol. 5, No. 3.
- Sheen, Mercedes; Hajar Aman Key Yekani & Timothy R. Jordan (2018). "Investigating the Effect of Wearing the Hijab: Perception of Facial Attractiveness by Emirati Muslim Women Living in their Native Muslim Country". *Journal List Plos One*, 13(10).
- Shirazi, Faegheh & Smeeta Mishra (2010). "Young Muslim Women on the Face Veil: A Tool of Resistance in Europe but Rejected in the United States". *International Journal of Cultural Studies*, Vol. 13, No. 1.
- Shokati, Ayat & Fatemeh Haji Ghassemlou (2011). "Hijab in Nations, Religions and Beliefs". *Journal of Women and Culture*, Vol. 2, No. 7.
- Tarlo, E. (2007). "Hijab in London: Metamorphosis, Resonance and Effects". *Journal of Material Culture*, Vol. 12, No.2.
- Winter, I (2000). "Social Capital and Policy in Australia, Australian Institute of Family Studies Melbourne.
- Zabihi, Masoumeh & Zohreh Sadat Mousavi (2007). "The Share of Hijab in the Ebrahimi Religions". *Journal of Women's Strategic Studies*, Vol. 9, No.36.

